

# مائو تسه دون

## منتخب آثار

جلد چهارم

اداره نشریات زبانهای خارجی

پکن ۱۹۷۰

**پروژه‌های سراسر جهان متحد شوید !**

[www.KetabFarsi.com](http://www.KetabFarsi.com)

www.KetabFarsi.com

چاپ اول . . . . . ۱۹۷۳

چاپ دوم . . . . . ۱۹۷۵

ترجمه فارسی جلد چهارم « منتخب آثار مائو تسه دون »  
منطبق است با چاپ چینی جلد چهارم « منتخب آثار مائو  
تسه دون » که از طرف اداره نشریات « مردم » در سپتامبر  
سال ۱۹۶۰ در پکن منتشر شده است . در یادداشتها  
بنا باقتضای چاپ زبان خارجی اصلاحاتی بعمل آمده است .

طبع و نشر جمهوری توده‌ای چین

## فهرست

### دوره سومین جنگ انقلابی داخلی

وضعیت و سیاست ما پس از پیروزی در جنگ مقاومت ضد ژاپنی

- ۱۳ ( ۱۳ اوت ۱۹۴۵ )  
۳۷ چانکایشک جنگ داخلی بر میانگیزد ( ۱۳ اوت ۱۹۴۵ )  
۴۵ دو تلگراف سرفرمانده ارتش هجدهم به چانکایشک ( اوت ۱۹۴۵ )  
۵۷ درباره اظهاریه سخنگوی چانکایشک ( ۱۶ اوت ۱۹۴۵ )  
درباره مذاکرات صلح با گویندگان - اطلاعیه کمیته مرکزی  
۶۵ حزب کمونیست چین ( ۲۶ اوت ۱۹۴۵ )  
۷۳ درباره مذاکرات چون چینگ ( ۱۷ اکتبر ۱۹۴۵ )  
۹۱ حقایق درباره حملات گویندگان ( ۵ نوامبر ۱۹۴۵ )  
تقلیل بهره مالکانه و بسط تولید - دو وظیفه مهم برای دفاع از  
۹۹ مناطق آزاد شده ( ۷ نوامبر ۱۹۴۵ )  
سمتگیری کار ما در سال ۱۹۴۶ در مناطق آزاد شده  
۱۰۳ ( ۱۵ دسامبر ۱۹۴۵ )  
۱۱۱ پایگاههای محکم در شمال شرقی برپا کنیم ( ۲۸ دسامبر ۱۹۴۵ )  
۱۱۹ چند ارزیابی از وضع بین‌المللی کنونی ( آوریل ۱۹۴۶ )

- تعرض چانكاشك را با جنگ دفاع از خود درهم بشكنيم  
 ۱۲۳ ( ۲۰ ژوئيه ۱۹۴۶ )
- ۱۳۵ مصاحبه با خبرنگار آمريكائى انا لوييز استرانگ ( اوت ۱۹۴۶ )  
 مركز نيروهاى برتر براى نابودى يكايك نيروهاى دشمن  
 ۱۴۵ ( ۱۶ سپتامبر ۱۹۴۶ )  
 حقايقى درباره " وساطت " آمريكا و آينده جنگ داخلى چين
- ۱۵۳ ( ۲۹ سپتامبر ۱۹۴۶ )
- ۱۵۹ تراژنامه سه ماهه ( ۱ اكتوبر ۱۹۴۶ )
- ۱۶۹ درود بر اعتلاء نوين انقلاب چين ( ۱ فوريه ۱۹۴۷ )  
 درباره ترك مولت بن ان و دفاع از منطقه مرزى شنسى - گان سو -  
 نين سىا - دو سند از كميته مركزى حزب كمونيست چين  
 ۱۸۳ ( نوامبر ۱۹۴۶ و آوريل ۱۹۴۷ )  
 رهنمودهائى براى عمليات در صحنه جنگ شمال غربى
- ۱۸۹ ( ۱۵ آوريل ۱۹۴۷ )
- ۱۹۳ دولت چانكاشك در محاصره تمام خلق است ( ۳۰ مه ۱۹۴۷ )
- ۲۰۱ استراتژى سال دوم جنگ آزاديبخش ( ۱ سپتامبر ۱۹۴۷ )
- ۲۱۳ مانيفست ارتش آزاديبخش توده‌اى چين ( اكتوبر ۱۹۴۷ )  
 درباره انتشار مجدد سه اصل بزرگ انضباطى و هشت ماده  
 مقرراتى - دستور متاد كل ارتش آزاديبخش توده‌اى چين  
 ۲۲۳ ( ۱۰ اكتوبر ۱۹۴۷ )
- ۲۲۷ اوضاع كنونى و وظائف ما ( ۲۵ دسامبر ۱۹۴۷ )
- ۲۵۹ درباره برقرارى سيستم گزارش دهى ( ۷ ژانويه ۱۹۴۸ )
- ۲۶۵ درباره بعضى مسائل مهم سياست كنونى حزب ( ۱۸ ژانويه ۱۹۴۸ )
- ۲۷۹ جنبش دموكراتيك در ارتش ( ۳۰ ژانويه ۱۹۴۸ )

- تا کتیکهای مختلف برای اجرای قانون ارضی در مناطق مختلف  
 ۲۸۳ ( ۲ فوریه ۱۹۴۸ )  
 رفع اشتباهات انحراف آمیز " چپ " در زمینه تبلیغ برای اصلاحات  
 ارضی ( ۱۱ فوریه ۱۹۴۸ )  
 ۲۸۷ نکات اساسی اصلاحات ارضی در مناطق آزاد شده جدید  
 ( ۱۵ فوریه ۱۹۴۸ )  
 ۲۹۱ درباره سیاست در زمینه صنعت و بازرگانی ( ۲۷ فوریه ۱۹۴۸ )  
 ۲۹۵ درباره مسئله بورژوازی ملی و متنفذین روشن بین ( ۱ مارس ۱۹۴۸ )  
 ۲۹۹ درباره پیروزی بزرگ در شمال غربی و جنبش طراز نوهن برای  
 تربیت ایدئولوژیک در ارتش آزادیبخش ( ۷ مارس ۱۹۴۸ )  
 ۳۰۵ بخشنامه درباره وضع حاضر ( ۲۰ مارس ۱۹۴۸ )  
 ۳۱۷ سخنرانی در کنفرانس کادرهای منطقه آزاد شده شان سی -  
 سوی یوان ( ۱ آوریل ۱۹۴۸ )  
 ۳۲۱ گفتگو با هیئت تحریریه روزنامه « جین سوی ژیبائو »  
 ( ۲ آوریل ۱۹۴۸ )  
 ۳۵۳ تلگراف به فرماندهی جبهه لوه یان پس از بازگرفتن آن شهر  
 ( ۸ آوریل ۱۹۴۸ )  
 ۳۶۱ مسائل تاکتیکی کار در ده در مناطق آزاد شده جدید  
 ( ۲۴ مه ۱۹۴۸ )  
 ۳۶۵ کار اصلاحات ارضی و تحکیم حزب در ۱۹۴۸ ( ۲۵ مه ۱۹۴۸ )  
 ۳۶۷ رهنمودهایی برای عملیات اهراتیو لیائو سی - شن یان  
 ( سپتامبر و اکتبر ۱۹۴۸ )  
 ۳۷۹ درباره تقویت سیستم کمیته حزبی ( ۲۰ سپتامبر ۱۹۴۸ )  
 ۳۸۹ بخشنامه کمیته مرکزی حزب کمونیست چین درباره جلسه سپتامبر  
 ( ۱۰ اکتبر ۱۹۴۸ )  
 ۳۹۳

- ۴۰۷ رهنمودهائی برای عملیات اهراتیو حوای های ( ۱۱ اکتبر ۱۹۴۸ )  
نیروهای انقلابی سراسر جهان متحد شوید و برضد تجاوز
- ۴۱۳ امپریالیستی مبارزه کنید ( نوامبر ۱۹۴۸ )
- ۴۱۹ تغییر عظیم در وضعیت نظامی چین ( ۱۴ نوامبر ۱۹۴۸ )  
رهنمودهائی برای عملیات اهراتیو بی بین - تیانزین
- ۴۲۳ ( ۱۱ دسامبر ۱۹۴۸ )  
پیام به دو یومین و دیگران در دعوت آنها به تسلیم
- ۴۳۱ ( ۱۷ دسامبر ۱۹۴۸ )
- ۴۳۵ انقلاب را بسرانجام برسانیم ( ۳۰ دسامبر ۱۹۴۸ )
- ۴۴۹ درباره تقاضای صلح از طرف جنایتکار جنگ ( ۵ ژانویه ۱۹۴۹ )  
اظهاریه صدر کمیته مرکزی حزب کمونیست چین مائو تسه دون
- ۴۵۷ درباره وضع حاضر ( ۱۴ ژانویه ۱۹۴۹ )  
تفسیر سخنگوی حزب کمونیست چین درباره قطعنامه شورای
- ۴۶۵ اجرائی نانکن ( ۲۱ ژانویه ۱۹۴۹ )  
فرمان بدولت ارتجاعی گومیندان برای دستگیری مجدد یاسوژی  
اکامورا فرمانده کل سابق نیروهای تجاوزکار ژاپن در چین  
و دستگیری جنایتکاران جنگ داخلی از گومیندان - اظهاریه
- ۴۶۹ سخنگوی حزب کمونیست چین ( ۲۸ ژانویه ۱۹۴۹ )  
اظهاریه سخنگوی حزب کمونیست چین درباره اینکه مجازات  
ژاپنی‌های جنایتکار جنگ و گومیندانی‌های جنایتکار جنگ  
ضرورتاً باید در جزو شرایط صلح گنجانیده شود
- ۴۸۱ ( ۵ فوریه ۱۹۴۹ )
- ۴۸۷ ارتش را به واحد کار مبدل کنید ( ۸ فوریه ۱۹۴۹ )  
چرا مرتجعان که در پراکندگی کامل افتاده‌اند هنوز پسروده



- برای "صلح همگانی" جنجال میکنند؟ ( ۱۵ فوریه ۱۹۴۹ ) ۴۹۳
- مرتجعان گویندگان از "دعوت بصلح" بدعوت به جنگ روی آورده‌اند ( ۱۶ فوریه ۱۹۴۹ ) ۵۰۱
- تفسیری درباره پاسخ‌های گوناگون گویندگان به مسئله مسئولیت جنگ ( ۱۸ فوریه ۱۹۴۹ ) ۵۰۵
- گزارش به دومین پلنوم هفتمین دوره کمیته مرکزی حزب کمونیست چین ( ۵ مارس ۱۹۴۹ ) ۵۱۹
- شیوه‌های کار کمیته‌های حزبی ( ۱۳ مارس ۱۹۴۹ ) ۵۴۳
- دولت نانکن بکجا میرود؟ ( ۴ آوریل ۱۹۴۹ ) ۵۵۳
- فرمان به ارتش برای پیشروی عمومی در سراسر کشور ( ۲۱ آوریل ۱۹۴۹ ) ۵۵۹
- اعلان ارتش آزادیبخش توده‌ای چین ( ۲۵ آوریل ۱۹۴۹ ) ۵۷۵
- اظهاریه سخنگوی ستاد کل ارتش آزادیبخش توده‌ای چین درباره اعمال متعدیانه کشتی‌های جنگی انگلستان ( ۳۰ آوریل ۱۹۴۹ ) ۵۸۱
- سخنرانی در جلسه کمیته تدارك کنفرانس سیاسی مشورتی جدید ( ۱۵ ژوئن ۱۹۴۹ ) ۵۸۷
- درباره دیکتاتوری دموکراتیک خلق ( ۳۰ ژوئن ۱۹۴۹ ) ۵۹۵
- پندارهای واهی خود را بدور افکنید و برای مبارزه آماده باشید ( ۱۴ اوت ۱۹۴۹ ) ۶۱۷
- سفر بخیر، لیتون استوارت! ( ۱۸ اوت ۱۹۴۹ ) ۶۲۹
- چرا باید کتاب سفید را مورد بحث قرار داد ( ۲۸ اوت ۱۹۴۹ ) ۶۴۳
- "دوستی" یا تجاوز؟ ( ۳۰ اوت ۱۹۴۹ ) ۶۵۱
- ورشکستگی درك ایده‌آلیستی تاریخ ( ۱۶ سپتامبر ۱۹۴۹ ) ۶۵۷

[www.KetabFarsi.com](http://www.KetabFarsi.com)

دوره سومین جنگ انقلابی داخلی

[www.KetabFarsi.com](http://www.KetabFarsi.com)

[www.KetabFarsi.com](http://www.KetabFarsi.com)

# وضعیت و سیاست ما پس از پیروزی در جنگ مقاومت ضد ژاپنی

( ۱۳ اوت ۱۹۴۵ )

در این روزها در وضع خاور دور تغییرات فاحشی در شرف وقوع است . تسلیم امپریالیسم ژاپن اکنون امری مسلم شده است . عامل قطعی تسلیم ژاپن ، ورود اتحاد شوروی در جنگ است . يك میلیون از جنگجویان ارتش سرخ به شمال شرقی چین سرازیر شده‌اند ؛ هیچ نیروئی را در برابر این قدرت یارای مقاومت نیست . امپریالیسم ژاپن دیگر نمیتواند به نبرد ادامه دهد (۱) . خلق چین در جنگ مقاومت دشوار و سخت خود قرین پیروزی گردیده است . جنگ مقاومت ضد ژاپنی بمثابة يك مرحله تاریخی اکنون پایان رسیده است . اینک بیینیم در چنین اوضاع و احوالی مناسبات میان طبقات مختلف چین ،

---

این سخنرانی از طرف رفیق مائو تسه دون در جلسه‌ای از کادرها در پین ان ایراد شده است . این سخنرانی ، بر اساس اسلوب مارکسیستی - لنینیستی تحلیل طبقاتی ، بررسی عمیقی از اوضاع اساسی سیاسی چین پس از پیروزی در جنگ مقاومت ضد ژاپنی بدست میدهد و تاکتیکهای انقلابی پرولتاریا را تشریح میکند .

مناسبات میان گومیندان و حزب کمونیست چگونه است؟ و در آینده چگونه خواهد شد؟ و سیاست حزب ما چیست؟ اینها مسائلی هستند که توجه قاطبه مردم کشور و تمام اعضای حزب ما را بشدت بسوی خود جلب کرده‌اند. گومیندان در چه حالی است؟ اگر بگذشته آن نگاه کنید، وضع کنونی آن بر شما معلوم خواهد شد؛ و اگر بگذشته و حال آن نگاه کنید، آینده آن بر شما معلوم خواهد شد. این حزب در گذشته مدت ده سال تمام به جنگ داخلی ضد انقلابی دست زد و در جریان جنگ مقاومت ضد ژاپنی در سالهای ۱۹۴۰، ۱۹۴۱ و ۱۹۴۳ سه پیکار ضد کمونیستی (۲) دامنه‌دار براه انداخت و هر بار تلاش نمود تا آنرا بیک جنگ داخلی در مقیاس ملی گسترش دهد. فقط در سایه سیاست صحیح حزب ما و مقاومت خلق در سراسر کشور بود که این تلاشها با شکست مواجه گردیدند. همه میدانند که چانکایشک نماینده سیاسی مالکان بزرگ

همانطور که رفیق مائو تسه دون در آوریل سال ۱۹۴۵ طی نطق افتتاحیه خویش در هفتمین کنگره حزب کمونیست چین خاطر نشان ساخت، چین پس از شکست امپریالیسم ژاپن پیوسته در برابر دو سرنوشت و دو دورنما قرار گرفته بود: آیا باید بیک چین نوین تبدیل گردد و یا بصورت چین کهنه باقی بماند. مالکان بزرگ ارضی و بورژوازی بزرگ چین که چانکایشک نماینده آنها بود، میخواستند ثمرات پیروزی در جنگ مقاومت ضد ژاپنی را از دست خلق ببرایند و چین را در همان حالت کشور نیمه مستعمره و نیمه فئودالی و تحت سلطه دیکتاتوری خود نگاهدارند. حزب کمونیست چین، نماینده منافع پرولتاریا و توده‌های وسیع مردم، از یکسو با تمام قوا بخاطر صلح و علیه جنگ داخلی مبارزه میکرد و از سوی دیگر میبایست خود را بطور کامل آماده سازد تا با دسایس ضد انقلابی چانکایشک که قصد براه انداختن جنگ داخلی در مقیاس ملی را داشت، بمقابله پردازد، میبایست سیاست صحیحی اتخاذ کند یعنی در مورد امپریالیسم و ارتجاع هیچگونه پندار واهی بخود

ارضی و بورژوازی بزرگ چین ، فرد بی‌نهایت سفاک و نیرنگبازی است . سیاست او این بوده‌است که دست روی دست بگذارد و بعنوان ناظر در انتظار پیروزی بماند ، قوای خود را حفظ کند و جنگ داخلی را تدارک بیند . آن پیروزی‌ایکه او در انتظارش بود ، در واقع فرا رسیده است و اکنون این " ژنرال‌سیم" خود را آماده میکند که " از کوه پائین بیاید" (۳) . در این هشت سال اخیر ، ما جایمانرا با چانکایشک عوض کرده‌ایم - در گذشته ما بالای کوه بودیم و او در کنار آب (۴) ، در دوران جنگ مقاومت ضد ژاپنی ما در پشت خطوط دشمن بودیم ولی او به کوهستان پناه برده بود . اکنون او از کوه فرود میاید ، فرود میاید تا ثمرات پیروزی جنگ مقاومت را تصاحب کند .

در طول هشت سال اخیر ، خلق و ارتش مناطق آزاد شده ما بدون هیچگونه کمکی از خارج تنها با تکیه بر نیروی خویش سرزمینهای

---

راه نهد ، از تهدیدات آنها نهراسد ، با قاطعیت از ثمرات مبارزه خلق دفاع کند و بکوشد چین نوینی را بنا گذارد ، یک چین دموکراتیک نوین ، چین توده‌های وسیع مردم در زیر رهبری پرولتاریا . مبارزه قاطع میان دو سرنوشت ، میان دو دورنمای آینده که در برابر چین گشوده شده بود ، محتوی آن دوران تاریخی است که از پایان جنگ مقاومت ضد ژاپنی تا تأسیس جمهوری توده‌ای چین کشیده میشود ، یعنی دوران جنگ آزادیبخش خلق چین یا سومین جنگ داخلی انقلابی . پس از جنگ مقاومت ضد ژاپنی چانکایشک با کمک امپریالیسم آمریکا بارها موافقتنامه‌های صلح را زیر پا نهاد و جنگ داخلی ضد انقلابی را بمنظور درهم شکستن نیروهای خلق با وسعت و دامنه بیسابقه‌ای براه انداخت . در سایه رهبری صحیح حزب کمونیست چین ، خلق چین تنها پس از چهار سال مبارزه به پیروزی بزرگی در مقیاس ملی دست یافت ، یعنی چانکایشک را در هم شکست و چین نوین را بنا نهاد .

وسیعی از کشور را آزاد کردند ، در برابر بخش اعظم نیروهای مهاجم ژاپنی و همچنین در برابر تقریباً تمام مهاجمان پوشالی مقاومت نمودند و بر آنها ضربه زدند . در سایه مقاومت مصممانه و مبارزه قهرمانانه ما بود که دویست میلیون نفر سکنه پشت جبهه بزرگ (۵) توانستند از پایمال شدن زیر چکمه های اشغالگران ژاپنی مصون بمانند و بدینجهت بود که مناطق مسکونی این دویست میلیون نفر از اشغال متجاوزین ژاپنی محفوظ ماند . چانکایشک در پناه پاسدارانی که او را حفظ و حراست میکردند ، در کوه " اه می " پنهان شده بود - این پاسداران عبارت بودند از مناطق آزاد شده ، خلق و ارتش مناطق آزاد شده . ما در حالیکه از دویست میلیون سکنه پشت جبهه بزرگ دفاع میکردیم ، این " ژنرالسیم " را هم در کنف حمایت خویش گرفتیم و باو وقت و جا دادیم تا بعنوان ناظر دست روی دست بگذارد و در انتظار پیروزی بماند . وقت : هشت سال و یک ماه ؛ جا : یک منطقه مسکونی با جمعیتی برابر دویست میلیون نفر . این شرایط را ما برای او فراهم آوردیم . بدون ما ، او نمیتوانست در آنجا مثل یک ناظر باقی بماند . بسیار خوب ، اما آیا این " ژنرالسیم " از ما سپاسگزار است ؟ ابدأ ! این موجود اصلاً نمیداند معنی سپاسگزاری چیست . چانکایشک چگونه توانست بر مسند قدرت تکیه زند ؟ در سایه لشگرکشی به شمال ، در سایه نخستین همکاری میان گومیندان و حزب کمونیست ، در سایه پشتیبانی خلق که هنوز سیمای واقعی او را نشناخته بود . چانکایشک پس از رسیدن بقدرت بجای آنکه از خلق سپاسگزار باشد ، خلق را با یک مشت بر زمین افکند و در ورطه خونین جنگ داخلی ده ساله غوطه ور ساخت . رفقا ! شما این صحنه تاریخ را بخوبی میشناسید . خلق چین یکبار دیگر در این جنگ



مقاومت ضد ژاپنی چانکایشک را حفظ کرد . اکنون جنگ با پیروزی پایان رسیده و ژاپن در شرف تسلیم شدن است ، اما چانکایشک نه اینکه اصلاً از خلق سپاسگزار نیست ، بلکه برعکس صفحات کهنه تاریخ ۱۹۲۷ را ورق سیزند و میخواهد طبق همان شیوه‌های سابق عمل کند . او بر آنست که در چین هرگز " جنگ داخلی " وجود نداشته ، بلکه فقط " سرکوب راهزنان " بوقوع پیوسته است ؛ در هر صورت هر ناسی که بگذارد ، او میخواهد جنگ داخلی را علیه خلق براه اندازد ، او میخواهد خلق را قتل عام کند .

تا زمانیکه جنگ داخلی در سراسر کشور درگیر نشده ، بسیاری از مردم و بسیاری از رفقای حزبی ما درك روشنی از این مسئله پیدا نخواهند کرد . از آنجا که جنگ داخلی هنوز در مقیاس وسیعی گسترش نیافته ، و از آنجا که این جنگ هنوز خصلت جنگ عمومی یا جنگ آشکار بخود نگرفته و تعداد نبردها هم هنوز فراوان نیست ، بسیاری اینطور فکر میکنند که " با این حال شاید جنگ داخلی اصلاً پیش نیاید ! " بسیاری دیگر از جنگ داخلی وحشت دارند ؛ این وحشت بی پایه نیست ، زیرا جنگ داخلی ده سال و پس از آن جنگ مقاومت هشت سال ادامه داشت . اگر نبرد باز ادامه یابد ، ما را بکجا خواهد کشانید ؟ کاملاً طبیعی است که چنین بیمهائی پیدا میشود . در مورد دسیسه‌های چانکایشک برای براه انداختن جنگ داخلی ، سیاست حزب ما پیوسته روشن و ثابت بوده است ؛ مقابله مصممانه با جنگ داخلی ، مخالفت با جنگ داخلی ، جلوگیری از جنگ داخلی . در آینده نیز ما باید با تمام قوا و با بردباری فراوان خلق را در کوششهایش برای جلوگیری از جنگ داخلی راهنمایی کنیم . معدلك باید کاملاً آگه بود که خطر جنگ داخلی فوق‌العاده

شدید است ، زیرا که سیاست چانکایشك از هم اکنون محرز شده است . سیاست چانکایشك ، جنگ داخلی است . سیاست ما ، سیاست خلق ، مخالف جنگ داخلی است . مخالفان جنگ داخلی فقط حزب کمونیست چین و خلق چین را دربر میگیرند . افسوس که چانکایشك و گومیندیان در عداد آنها نیستند ! در اینجا یکی از دو طرف نمیخواهد بجنگد و طرف دیگر میخواهد . اگر هر دو طرف نمیخواستند ، جنگ در نمیگرفت . اما اینک از آنجا که فقط یکی از دو طرف مخالف جنگ است و این طرف هنوز باندازه کافی نیرومند نیست که جلوی طرف دیگر را بگیرد ، لذا خطر جنگ داخلی فوق العاده شدید است .

این نکته را که چانکایشك در سیاست ارتجاعی دیکتاتوری و جنگ داخلی خود لجاج میورزد ، حزب ما در موقع خود نشان داده است . پیش از هفتمین کنگره حزب و در جریان این کنگره و پس از آن ما باندازه کافی کوشیدیم توجه خلق را به خطر جنگ داخلی جلب کنیم تا آنکه تمام خلق ، اعضای حزب ما و ارتش ما قبلاً از لحاظ روانی برای مقابله با آن آماده باشند . این نکته بسیار مهمی است ، میان داشتن چنین آمادگی و نداشتن آن تفاوت بزرگی موجود است . در سال ۱۹۲۷ که حزب ما هنوز دوران کودکی را میپیمود ، از لحاظ روانی برای مقابله با حمله ضد انقلابی ایکه چانکایشك ناگهان آغاز کرده بود ، بهیچوجه آمادگی نداشت . از اینرو ثمرات پیروزی هائی که خلق بکف آورده بود ، بزودی از دست رفت ، خلق مجبور شد به مشقات طولانی تن در دهد و چین تابناك در اعماق تاریکی ها فرو رفت . این بار وضع تغییر کرده است : حزب ما تجارب فراوانی از سه انقلاب بدست آورده و بدرجه بمراتب عالی تری از پختگی سیاسی رسیده است . کمیته مرکزی حزب

بارها خطر جنگ داخلی را نشان داده است تا تمام خلق ، تمام رفقای حزبی و ارتش تحت رهبری حزب در حالت آماده باش قرار گیرند . چانکایشك پیوسته در تلاش است تا هر جو قدرت و هر جو دستاورد خلق را بزور از او بریاید . و ما ؟ سیاست ما اینست که هر ضربه را با ضربه متقابل پاسخ دهیم و برای هر وجب زمین بجهنگیم . ما هم بشیوه او عمل میکنیم . او همیشه سعی میکند با يك شمشیر در دست چپ و يك شمشیر در دست راست جنگ را بخلق تحمیل کند . ما نیز چون او دست به شمشیر میبریم . فقط در نتیجه تحقیق و تجسس است که ما این راه را پیدا کردیم . اینگونه تحقیقات و تجسسات بسیار با اهمیت اند . وقتی که ما می بینیم حریف چیزی در دست دارد ، باید به تحقیق پردازیم . او چه در دست دارد ؟ شمشیر . شمشیر برای چیست ؟ برای کشتن است . با این شمشیر چه کسی را میخواهد بقتل رساند ؟ خلق را . وقتی که شما تمام این مسایل را روشن ساختید ، تحقیق تانرا بیشتر برانید — خلق چین نیز دست دارد و میتواند شمشیر بندست گیرد ، و در صورتیکه شمشیری در اختیارش نباشد ، میتواند آنرا بسازد . خلق چین این حقیقت را پس از تحقیقات و تجسسات طولانی دریافته است . دیکتاتورهای نظامی ، مالکان ارضی ، مستبدین محلی و متنفذین شریر و امپریالیستها — همگی شمشیر در دست دارند و آماده کشتن اند . خلق این اسر را دریافته و بنا بر این بهمین شیوه عمل میکند . بعضی ها از میان ما غالباً باینگونه تحقیق و تجسس توجه نمیکنند . مثلاً چن دوسیو درك نمیکرد که وقتی کسی شمشیری در دست دارد ، میتواند آدم بکشد . بعضی ها خواهند گفت : این يك حقیقت عام است ، چگونه يك رهبر حزب کمونیست نتوانسته باین حقیقت آگاهی یابد ؟ اما مشکل بتوان چنین گفت . چن دوسیو که در مقام

تحقیق و تجسس برنیامد ، این حقیقت را درك نکرد و لذا ما او را اپورتونیست نامیدیم . کسیکه به تحقیق و تجسس نپردازد ، حق سخن ندارد و بدین لحاظ بود که ما چن دو سیو را از این حق محروم کردیم . ما راهی غیر از راه چن دو سیو برگزیدیم و بقسمی عمل کردیم که خلقی که در معرض ستم و کشتار است ، شمشیر بدست گیرد . هر که کسی بازهم در صدد کشتن ما باشد ، ما بشیوه او عمل خواهیم کرد . هنوز دیری نگذشته بود که گومیندان برای حمله به منطقه گوان جون شش لشکر گسیل داشت . سه لشکر از آنها بان منطقه نفوذ نمودند و مساحتی را بعرض یکصد لی و بطول بیست لی اشغال کردند . ما هم بشیوه آنها عمل کردیم و آنها را بطور کامل و تام و تمام بر روی این مساحت صد لی در بیست لی نابود ساختیم (۶) . سیامت ما اینستکه هر ضربه را با ضربه متقابل پاسخ دهیم و برای هر وجب زمین بجنگیم . ما هرگز نمیگذاریم که گومیندان باسانی زمین های ما را اشغال کند و مردم ما را بدلخواه خود از دم تیغ بگذرانند . واضح است که جنگیدن برای هر وجب زمین بمعنی قبول مشی "چپ روانه" سابق "از دست ندادن حتی يك وجب از منطقه پایگاهی" نیست . این بار ما مساحتی بمقیاس صد لی در بیست لی از دست دادیم . اما این مساحت را که ما در اواخر ژوئیه از دست دادیم ، در آغاز اوت دو باره پس گرفتیم . پس از حادثه ان هوی جنویسی روزی افسر ستادی که گومیندان برای ارتباط فرستاده بود ، از من پرسید که چه میخواهیم بکنیم . من جواب دادم : " شما همیشه درین ان هستید و هنوز نمیدانید ؟ اگر 'حه' بما حمله کند ، ما هم باو حمله میکنیم ، اگر 'حه' متوقف شود ، ما هم متوقف میشویم . " (۷) در آنزمان نام چانکایشک

برده نشد ، فقط از نام حه بین چینگ سخن بمیان آمد . امروز ما میگوئیم :  
” اگر ’چان‘ بما حمله کند ، ما هم باو حمله میکنیم ؛ اگر ’چان‘  
متوقف شود ، ما هم متوقف میشویم . “ ما بشیوه او عمل خواهیم  
کرد و چون چانکایشک اکنون شمشیر خود را تیز میکند ، ما هم باید  
شمشیرمانرا تیز کنیم .

حقوقی را که خلق بچنگ آورده ، هرگز نباید مفت و معجانی از  
دست داد ، بلکه باید با نبرد از آنها دفاع نمود . ما جنگ داخلی  
نمیخواهیم ، معدلك هرگه چانکایشک در تحمیل آن به خلق چین مطلقاً  
اصرار ورزد ، ما مجبور میشویم سلاح بدست بگیریم و با آن به مبارزه  
برخیزیم ، تا آنکه از خود دفاع کنیم ، تا آنکه زندگی ، اسوال ، حقوق  
و سعادت مردم مناطق آزاد شده را حفظ و حراست نمائیم . این جنگی  
داخلی خواهد بود که او بما تحمیل میکند . اگر ما در این جنگ پیروز  
نشویم ، نه تقصیر آسمان است و نه زمین ، بلکه فقط تقصیر خود ماست .  
معدلك هیچکس قادر نیست حقوقی را که خلق بچنگ آورده به آسانی از  
او برباید یا آنها با فریب و نیرنگ از او بستاند . سال گذشته يك  
روزنامه نگار آمریکائی از من پرسید : ” چه کسی بشما قدرت عمل داده  
است ؟ “ من باو جواب دادم : ” خلق . “ چه کس دیگری غیر از  
خلق ؟ گویندگان که برسند قدرت نشسته ، آنها بما تفویض نکرده است ،  
او ما را برسمیت نمیشناسد . بطوریکه در نظامنامه شورای سیاسی ملی  
تصریح شده است ، ما در آن بعنوان يك ” سازمان فرهنگی “ (۸)  
شرکت میجوئیم . ما میگوئیم : ما يك ” سازمان فرهنگی “ نیستیم ، ما  
ارتش داریم و يك ” سازمان نظامی “ هستیم . چانکایشک اول مارس  
اسسال اعلام کرده که حزب کمونیست نمیتواند وضع قانونی بدست

آورد مگر آنکه ارتش خود را تسلیم کند . این اعلام چانکایشك هنوز بقوت خود باقی است . ما ارتش خود را تسلیم نکردیم ، بنابراین وضع قانونی نداریم ، ما هیچ " قید و بند شرعی و عرفی " نداریم . وظیفه ما اینستکه مسئولیت خود را در قبال خلق حفظ کنیم . هر يك از سخنان ما ، هر يك از اعمال و هر يك از سیاستهای ما ، همه باید پاسخگوی منافع خلق باشد و اگر خطائی روی دهد ، باید آنها را اصلاح کرد ؛ این همان چیزی است که مسئولیت در قبال خلق نامیده میشود . رفقا ! خلق آزادی میخواهد ، لذا قدرت خود را بکسانی تفویض میکند که بتوانند نماینده او باشند و صادقانه برای او کار کنند ، یعنی بما کمونیستها . ما بمثابه نمایندگان خلق ، باید نماینده شایسته او باشیم و نباید مانند چن دو سیو عمل کنیم . چن دو سیو در مقابل یورشهای ضد انقلابی علیه خلق آن سیاستی را در پیش نگرفت که هر ضربه را با ضربه متقابل پاسخ دهد و برای هر وجب زمین بچنگد ، تا آنکه آخر الامر در سال ۱۹۲۷ در فاصله چند ماه تمام حقوقی که خلق بچنگ آورده بود ، از دست رفت . اینبار ، ما باید هوشیار و آماده باشیم . سیاست ما مطلقاً غیر از سیاست چن دو سیو است ؛ ما در دام هیچگونه فریبی نخواهیم افتاد . ما باید روشن بینی خود را از دست ندهیم و سیاستی صحیح داشته باشیم ، ما نباید مرتکب اشتباه شویم .

ثمرات پیروزی در جنگ مقاومت باید متعلق بچه کسی باشد ؟ موضوع کاملاً روشن است . مثلاً يك درخت هلو را بگیرد . درخت ، هلو میدهد ، هلو ثمر پیروزی است . چه کسی حق دارد هلوها را بچیند ؟ باید اول پرسید چه کسی درخت را نشانده و آبیاری کرده است . چانکایشك که در کوه رحل اقامت افکنده ، حتی يك سطل آب هم

نیآورده است و حالا دست خود را از دور دراز میکند تا هلوها را بچیند و میگوید: "این هلوها به من، چانکایشک تعلق دارند؛ من مالک زمین هستم و شما رعایای من هستید. من شما را از چیدن هلو منع میکنم." ما در مطبوعات خود این نظر او را رد کردیم (۹). ما میگوئیم: "تو که هیچوقت آب نیآورده‌ای، حق چیدن هلوها را هم نداری. ما، خلق مناطق آزاد شده که هر روز به درخت‌ها آب داده‌ایم، بیش از هر کس دیگری حق داریم سیوه‌ها را بچینیم." رفقا! پیروزی جنگ مقاومت را خلق با ریختن خون خویش و دادن قربانی بدست آورده‌است؛ این پیروزی باید پیروزی خلق باشد و ثمرات جنگ مقاومت نیز باید از آن خلق باشد. اما در مورد چانکایشک، او در مقاومت در برابر ژاپن پاسیو بوده‌است ولی در مبارزه با حزب کمونیست آکتیو؛ او مانعی در سر راه جنگ مقاومت خلق بوده‌است. اکنون این مانع سر میرسد برای آنکه ثمرات پیروزی را تصاحب کند و میخواهد که چین پس از پیروزی در جنگ مقاومت دو باره به وضع قدیم قبل از جنگ باز گردد و به آن امکان کوچکترین تغییری را هم نمیدهد. این همان چیزی است که مبارزه را بر میانگیزد. رفقا! این مبارزه از جدیترین مبارزات است. اینک ثمرات پیروزی در جنگ مقاومت باید از آن خلق باشد، یک مطلب است، اما اینکه سرانجام چه کسی بآنها دست خواهد یافت و این خلق خواهد بود یا نه، مطلب دیگری است. تصور نکنید که تمام ثمرات پیروزی بطور قطع و یقین بدست خلق خواهد افتاد؛ چانکایشک بخشی از هلوهای درشت مانند شانگهای، نانکن، حان جو و شهرهای بزرگ دیگر را تصاحب خواهد کرد. چانکایشک با همدستی امپریالیسم آمریکا عمل میکند و در این مناطق آنها تفوق دارند، در حالیکه تاکنون

خلق انقلابی بطور عمده بجز مناطق روستائی نتوانسته چیز دیگری به تصرف در آورد . بر سر بخش دیگری از هلوها میان دو طرف نزاع در خواهد گرفت . سخن درباره شهرهای متوسط و کوچکی است که در بخش خط آهن دا تون - پو جو در شمال تای یوان ، در بخش میانه خط آهن بی پین - سوی یوان ، در بخش خط آهن بی پین - لیائو نین ، در بخش خط آهن بی پین - حان کو در شمال جن جو ، در بخش خط آهن جن دین - تای یوان ، خط آهن بای گوی - جین جن (۱۰) ، خط آهن ده جو - شی جیا جوان ، خط آهن تیانزین - پو کو ، خط آهن چینگ دائو - جی نان و در بخش خط آهن لون های در شرق جن جو واقع شده اند ؛ این شهرهای متوسط و کوچک متنازع فیه خواهند بود ، اینها هلوهای متوسط و کوچکی هستند که خلق مناطق آزاد شده با خون و عرق جبین آبیاری کرده است . در حال حاضر مشکل بتوان گفت که این محلها بدست خلق خواهند افتاد . در حال حاضر فقط میتوان اینرا گفت که باید با سرسختی مبارزه کرد . آیا بخشهایی هست که بطور قطع و یقین بدست خلق بیافتد ؟ آری هست ، و عبارتند از مناطق وسیع روستائی و بسیاری از شهرهای استان حه به ، چاهار و ژه هه (۱۱) ، بخش اعظم شان سی ، استان شان دون و شمال جیان سو ؛ در این نقاط دهات بیکدیگر پیوسته اند ، فریب یکصد شهر یک منطقه را تشکیل میدهد ، هفتاد تا هشتاد شهر منطقه دیگری را ، چهل تا پنجاه شهر منطقه سومی را ، جمعاً سه ، چهار ، پنج یا شش منطقه بزرگ و کوچک . صحبت بر سر چه نوع شهرهایی است ؟ شهرهای متوسط و کوچک . ما آن نیرو را داریم که این ثمرات پیروزی را بدست آوریم ، ما از این بابت اطمینان داریم . در تاریخ انقلاب چین نخستین بار است که



چنین بخشی از میوه‌ها به تصاحب ما درسی‌آید. در گذشته، در نیمه دوم سال ۱۹۳۱ فقط پس از در هم شکستن سوسین عملیات "محاصره و سرکوب" دشمن ما یک جا بیست و یک مرکز شهرستان را در منطقه پایگاه مرکزی استان جیان سی بتصرف در آوردیم (۱۲)، ولی در آنجا هیچ شهر متوسطی وجود نداشت. جمعیت این ۲۱ شهر کوچک متصل بیکدیگر حد اکثر ۲,۵۰۰,۰۰۰ نفر بود. خلق چین با اتکاء به آن توانست چنین مبارزه طولانی را دنبال کند، چنین پیروزی‌های بزرگی بدست آورد و چنین عملیات "محاصره و سرکوب" دامنه‌داری را در هم شکنند. بعداً ما دچار شکست شدیم، ولی ما نباید چانکایشک را مورد سرزنش قرار دهیم، بلکه باید خودمانرا ملامت کنیم که خوب نجنگیدیم. اینبار هرگه ده‌ها شهرهای مختلف در منطقه واحدی گرد آیند و هرگه سه، چهار، پنج یا شش منطقه نظیر وجود داشته باشد، خلق چین سه، چهار، پنج یا شش منطقه پایگاه انقلابی خواهد داشت که هر یک از آنها بزرگتر از منطقه پایگاه مرکزی جیان سی خواهد بود و انقلاب چین در وضع بسیار جالب توجهی قرار خواهد گرفت.

هرگه وضع را در مجموع خود در نظر بگیریم، ملاحظه میکنیم که مرحله جنگ مقاومت ضد ژاپنی پایان یافته و مبارزه داخلی، وضع نو و وظیفه نو ما شده است. چانکایشک از "ساختمان کشور" سخن میراند. از این پس مبارزه بر سر آنست که چه نوع کشوری باید بسازیم. آیا باید یک کشور دموکراسی نوین، یک کشور توده‌های وسیع خلق تحت رهبری پرولتاریا بنا کنیم، یا یک کشور نیمه مستعمره و نیمه فئودالی در زیر دیکتاتوری مالکان بزرگ ارضی و بورژوازی بزرگ؟ اینجاست که مبارزه بسیار بغرنجی در خواهد گرفت. شکل این مبارزه در حال حاضر،

مبارزه میان چانکایشك است که میخواهد ثمرات پیروزی جنگ مقاومت را برآید و ما که در برابر این خواست او ایستادگی میکنیم . در طول این دوران اگر اپورتونیسمی وجود داشته باشد ، سرباز زدن از مبارزه سرسخت است و اهداء ثمراتی به چانکایشك است که باید از آن خلق باشند . آیا يك جنگ داخلی آشکار و در مقیاس تمام کشوری در خواهد گرفت ؟ این امر بستگی به عوامل داخلی و بین‌المللی دارد . عوامل داخلی در درجه اول عبارتند از نیروی ما و درجه آگاهی سیاسی ما . با توجه به سیر عمومی اوضاع در خارج و داخل کشور و احساسات خلق ، آیا ما میتوانیم با مبارزه خود جنگ داخلی را در مقیاس معینی محدود سازیم و یا جنگ داخلی در مقیاس تمام کشوری را به تعویق اندازیم ؟ چنین امکانی موجود است .

هرگه چانکایشك بخواهد بدله‌خواه خود جنگ داخلی را براه اندازد ، با مشکلات بسیاری رو برو خواهد شد . اولاً ، در مناطق آزاد شده صد میلیون جمعیت ، يك میلیون سرباز و بیش از دو میلیون افراد چریك توده‌ای موجود است . ثانیاً ، مردم مناطق زیر نظارت گومیندان که دارای آگاهی سیاسی هستند ، با جنگ داخلی مخالف اند و این خود مانعی در برابر چانکایشك است . ثالثاً در درون گومیندان نیز فراکسیونی وجود دارد که با جنگ داخلی موافق نیست . وضع کنونی با وضع سال ۱۹۲۷ تفاوت فاحش دارد . بویژه امروز وضع حزب ما با وضع حزب در سال ۱۹۲۷ بسیار فرق میکند . در آن دوره حزب ما هنوز مراحل کودکی خود را می‌پیمود و فاقد روشن‌بینی بود ، تجربه مبارزه مسلحانه نداشت و باین سیاست پی نبرده بود که باید هر ضربه را با ضربه متقابل پاسخ داد . امروز آگاهی سیاسی حزب ما بسطع بمراتب بالاتری رسیده است .

غیر از آگاهی سیاسی خود ما ، یعنی آگاهی سیاسی پیشاهنگ پرولتاریا ، مسئله آگاهی سیاسی توده‌های مردم نیز مطرح است . هنگامیکه خلق هنوز آگاهی سیاسی ندارد ، امکان اینکه ثمرات انقلاب بدست دیگری بیفتد ، کاملاً موجود است . این همان چیزی است که در گذشته روی داد . امروز آگاهی سیاسی خلق چین نیز به مراتب بالا رفته است . اعتبار حزب ما در میان خلق هرگز باین اندازه بالا نبوده است . سعدک در درون خلق و بویژه در میان سکنه مناطق اشغالی ژاپنی‌ها و مناطق تحت سلطه گومیندان ، عده نسبتاً زیادی از مردم هنوز به چانکایشک اعتماد دارند و در مورد گومیندان و ایالات متحده آمریکا دستفروش پندارهای واهی میباشند ، پندارهایی که چانکایشک نیز میکوشد آنها را اشاعه دهد . همینکه این بخش از خلق چین هنوز فاقد آگاهی سیاسی است ، نشان میدهد که کارهای تبلیغاتی و سازمانی ما هنوز بطور شایسته انجام نیافته است . آگاهی یافتن خلق امر آسانی نیست . برای اینکه افکار نادرست را از ذهن مردم بیرون کنیم ، باید بکوششهای جدی و فراوان دست زنیم . ما باید هر آنچه را که در افکار خلق چین عقب مانده است بروییم ، همانطور که اطاقهای خود را میروئیم . خس و خاشاک هرگز خود بخود و بدون آنکه آنرا بروئند ، از بین نمیروند . ما باید کار تبلیغاتی و تربیتی وسیعی در میان توده‌های مردم انجام دهیم تا آنکه آنها وضع واقعی و سیر حوادث را در چین دریابند و به نیروی خویش اعتماد پیدا کنند .

بر ماست که خلق را متشکل کنیم . بر ماست که خلق را متشکل کنیم تا مرتجعین چین را واژگون سازد . تمام پدیده‌های ارتجاعی با هم یکسانند ، اگر آنها را نزنید ، ساقط نخواهند شد . این درست مانند جاروب کردن کف اطاق است - علی‌القاعده ، خس و خاشاک از

جائی که جاروب نشود ، بخودی خود زایل نمیگردد . در جنوب منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا رودخانه‌ای است بنام جیه‌زی . در جنوب این رودخانه شهرستان لوه چوان قرار دارد و در شمال آن ، شهرستان فوسیان . دو ساحل و دو دنیا . جنوب در زیر تسلط گویندیان است و چون ما بانجا نرفته‌ایم ، خلق متشکل نیست و زباله‌ها بر روی هم انباشته شده‌اند . بعضی از رفقای ما فقط به تأثیر سیاسی معتقدند و تصور میکنند که مسایل میتوانند از راه این تأثیر حل شوند . این اعتقادی کورکورانه است . در سال ۱۹۳۶ ما در یائوان (۱۳) بودیم ؛ در فاصله چهل تا پنجاه لی دهکده مستحکمی بود که مالک مستبدی آنرا در اختیار داشت . در آنموقع یائوان مقر کمیته مرکزی حزب بود و تأثیر سیاسی ما را میتوان در آنجا بسیار بزرگ تلقی کرد ، اما ضد انقلابیون این دهکده لجوجانه از تسلیم سرباز میزدند . ما جاروب خود را در جنوب و شمال بکار انداختیم ، ولی کار عبثی بود . فقط موقعیکه جاروب ما در قلب دهکده بکار افتاد ، مالک فریاد برآورد : " ایپالناس ! تسلیمم . " (۱۴) همه چیز در این دنیا بر این منوال است . زنگها بصدای در نمیایند ، اگر آنها را بحرکت در نیآورند . میزها جابجا نمیشوند ، اگر آنها را تغییر مکان ندهند . ژاپن به تسلیم تن در نمیداد ، اگر ارتش سرخ اتحاد شوروی به شمال شرقی چین وارد نمیشد . سپاهیان ژاپنی و سپاهیان پوشالی هرگز اسلحه خود را بر زمین نمیگذاشتند ، اگر سپاهیان ما با آنها نمیجنگیدند . تأثیر سیاسی فقط در جائی اثر کامل خود را می‌بخشد که جاروب آنجا را برآورد . جاروب ما حزب کمونیست ، ارتش هشتم و ارتش چهارم جدید است . با در دست داشتن جاروب باید رفتن را آموخت . نباید روی بستر دراز کشید و تصور کرد که بادی

برمیخیزد و تمام خس و خاشاک را یکشبه بهوا میرد . ما مارکسیستها ،  
 رأیستهای انقلابی هستیم و هیچگاه دستخوش پندارهای واهی نمیشویم .  
 در چین مثلی قدیمی است که میگوید : "سحر برخیز و حیاط را جاروب  
 کن ." ( ۱۵ ) سحر سر آغاز روز نو است . پیشینیان ما گفته‌اند که باید  
 اول صبح بر خیزیم و به جاروب کردن پردازیم . آنها تکلیفی برای  
 ما تعیین کرده‌اند . فقط در صورتیکه اینطور فکر کنیم و اینطور عمل  
 کنیم ، سودی خواهیم برد و کاری خواهیم یافت . چین دارای سرزمین  
 وسیعی است و برماست که همه جای آنرا وجب بوجب جاروب کنیم .  
 سیاست ما باید بر چه اساسی مبتنی باشد ؟ سیاست ما باید بر اساس  
 نیروی خودمان مبتنی باشد — این بمعنای اتکاء به نیروی خود است . ما  
 تنها نیستیم ، تمام کشورها و خلقهای جهان که علیه امپریالیسم می‌روند ،  
 دوستان ما هستند . معهدا ما اصل اتکاء به نیروی خود را تأکید میکنیم .  
 ما با اتکاء به نیروی متشکل خود میتوانیم کلیه مرتجعین داخلی و خارجی  
 را در هم بکوبیم . چانکایشک بر عکس ، کاملاً بر کمک امپریالیسم  
 آمریکا که آنرا مانند حامی نیرومند خود مینگرد ، تکیه میکند . نکات سگانه  
 دیکتاتوری ، جنگ داخلی و حراج کشور ، پیوسته اساس سیاست او را  
 تشکیل داده است . امپریالیسم آمریکا میخواهد برای ایجاد جنگ داخلی  
 به چانکایشک کمک کند و چین را بصورت وابسته آمریکا در آورد ؛ این  
 سیاست مدتهاست که قطعی و مسلم گردیده‌است . اما امپریالیسم آمریکا  
 که در ظاهر نیرومند است ، باطناً ضعیف است . ما باید ذهن خود را روشن  
 نگهداریم ، یعنی "سخنان زیبای" امپریالیستها را باور نکنیم و از  
 تهدیدات آنها بخود بیعی راه ندهیم . يك آمریکائی روزی بمن گفت :  
 " شما باید بحرفهای هارلی گوش دهید و چند نفر از افراد خودتانرا

بعنوان مأمور دولت در حکومت گویندگان شرکت دهید .“ (۱۶) من باو جواب دادم : ”هنگامیکه دست و پای مأمور بسته است ، انجام وظیفه برایش کار آسانی نیست ، ما چنین کاری نخواهیم کرد ؛ ولی اگر بکنیم ، باید دست و پایمان آزاد باشد ، ما باید آزادی عمل داشته باشیم ، یعنی باید حکومت ائتلافی بر پایه دموکراتیک تشکیل شود .“ او گفت : ”عدم شرکت شما صورت خوشی نخواهد داشت .“ از او پرسیدم : ”برای چه ؟“ او در جواب گفت : ”اولاً آمریکائیا شما را ملامت خواهند کرد ؛ ثانیاً آمریکائیا از چانکایشک حمایت خواهند کرد .“ من در جواب گفتم : ”شما آمریکائیا اگر میخواهید پس از آنکه نان خوردید و سیر خوابیدید ، مردم را ملامت و از چانکایشک حمایت کنید ، این مربوط به خودتان است و من در کار شما مداخله نمیکنم . اکنون آنچه که ما داریم ، ارزن است باضافه تفنگ ، و آنچه که شما دارید ، نان است باضافه توپ . اگر میخواهید از چانکایشک حمایت کنید ، بفرمائید حمایت کنید ، تا هر وقت که دلتان میخواهد ، حمایت کنید . ولی این را هیچوقت فراموش نکنید که : چین بچه کسی تعلق دارد . چین بهیچوجه به چانکایشک تعلق ندارد ، چین از آن خلق چین است . سرانجام آنروز فرا خواهد رسید که دیگر پشتیبانی از او امکان نداشته باشد .“ رفقا ! این آمریکائی میکوشید که با این حرفها مردم را بترساند . امپریالیستها در این بازی بسیار ماهرند و در واقع بسیاری از مردم مستعمرات از این تهدیدات بیم و هراس دارند . امپریالیستها تصور میکنند که در مستعمرات میتوان همه کس را دچار بیم ساخت ، اما آنها توجه ندارند که در چین مردمی هستند که از این بازی بوحشت نمی‌افتند . ما در گذشته سیاست آمریکا را دائر بر کمک به چانکایشک بخاطر مبارزه با